

فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳

نویسندگان: وندی شیلت، رایان پاسنو، کریستیان سومرز، سیلویا ان هیولت، جیمز ویلسون.
مترجمان: معصومه محمدی، سمانه مدنی، پروین قائمی، مسعود اکبری، زینب فرهمند زاده، فرزانه دوستی،

ناشر: دفتر نشر معارف، ۳۱۶ صفحه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

آیناز جعفری

مقدمه:

کلیدی حقوق و ابعاد مختلف حتی حق حیات از زن را سلب می‌کرد. در مقابل، آیات الهی دیدگاه متفاوتی داشت که نشان‌دهنده کیفیت حقوق و مسئولیت‌های زنان و چگونگی قانونمند کردن جامعه، جهت رعایت این حقوق بود. با گذشت زمان با عدم تعهد جوامع به رعایت قوانین الهی، بازسرنوشتی برای زنان رقم می‌خورد، به گونه‌ای که جاهلیت مدرن جایگزین جاهلیت اولی می‌گردد. با گذشت زمان، این نوع نگرش‌ها باعث اعتراض جامعه‌ی زنان غربی شده و جنبش زنان جهت به دست آوردن جایگاه انسانی خویش پای می‌گیرد. نقطه‌ی آغازین این اعتراض‌ها در فرانسه از قرن ۱۴ توسط «کریستین دو پیزا» و در انگلستان از قرن ۱۷ توسط «ماری آستل» بود. نتیجه‌ی این‌گونه حرکت‌ها، به وجود آمدن خانواده‌های بدون ازدواج، قانونی شدن سقط جنین و تبلیغات سوء علیه مردان و فرزندان به عنوان مزاحمان آزادی در عرصه‌ی فعالیت‌های مختلف، بوده است. امروزه تفکرات فمینیستی علی‌رغم درون تهی بودن، به دلیل ظاهر فریبی، در اغلب کشورهای درحال توسعه و در سال‌های اخیر در ایران رواج یافته است وعده‌ای بدون نگرش عالمانه با پیامدهای منفی آن دست و پنجه نرم می‌کنند و عده‌ای نیز با اهداف مشخص، درصدد آن هستند تا تفکرات رایج دهه‌های ۶۰ و ۷۰ غرب را در ایران ترویج نمایند. در این راستا، استفاده از رسانه‌های مختلف و ابزارهای تبلیغاتی گوناگون یاریگر آنان بوده است.

همانطور که گفته شد این کتاب شامل پنج فصل است.

کتاب «فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳» توسط دفتر امور خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، در بخش کمیته علمی‌همایش سراسری «زنان، مسائل فرهنگی، اجتماعی و جهانی سازی» بر آن شده است تا پیامدهای جنبش‌های فمینیستی را از زبان اندیشمندان و صاحب‌نظران غربی مورد بررسی قرار دهد. محتوای این کتاب ترجمه و تلخیص پنج عنوان کتاب در رابطه با موضوع فمینیسم است. همچنین هر مقاله برگرفته از محتوای مطالب کتاب مورد نظراست، نه چکیده فصلی از آن. عناوین سر فصل‌های این کتاب عبارتند از:

- ۱- نابودی عفاف، ارمغان فمینیسم، برگرفته از کتاب: بازگشت به عفاف
- ۲- فمینیسم و مذهب، برگرفته از کتاب: راز و رمز زنانگی یا اشتباه
- ۴- آثار اقتصادی فمینیسم بر زندگی زنان، برگرفته از کتاب: معیشت محقر
- ۵- تأثیر روشنفکری غرب بر ازدواج و خانواده، برگرفته از کتاب: مشکل ازدواج

پیشگفتار:

در این قسمت نحوه‌ی نگاه به جایگاه زنان در گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله دیدگاه عصر جاهلیت اولی نسبت به زن که

آنان همچنین معتقد هستند زن حق دارد جان جنین خود را بگیرد و یا مجاز است جان آن را نگه دارد. جنبش زنان برای اولین بار در سال ۱۸۸۰ توسط «فرانسیس ویلیارد» آغاز گردید، اما تأثیر عمیقی که اقدامات وی در اواخر قرن نوزدهم بر فرهنگ گذارد، به دست فراموشی سپرده شد. ویلیارد سخت کوشید تا امتیازهای بیشتری را برای زنانی که حقوق آنان به طرز خشونت باری نقص شده بود، کسب نماید. ویلیارد زن برجسته‌ای بود که عقایدش در دوران خود انقلابی محسوب می‌گردد و برای زنان اقدامات ارزنده‌ای انجام داد. سؤالی که نویسنده مطرح می‌کند این است که چرا زنان ما فرانسوی ویلیارد را به درستی نمی‌شناسند؟ اقدامات ویلیارد بر اساس استنباط‌های وی از کتاب مقدس شکل گرفت. او یک مسیحی ثابت قدم بود که در تبلیغ مسیحیت ید طولیایی داشت و پیام وی مبتنی بر اصول علمی مسیحیت بود. امروزه فمینیست‌ها نمی‌توانند پیامی را بپذیرند که بویی از مسیحیت داشته باشد. در حقیقت کلیسا در نظر آنان یک نهاد پدر سالار است که نقش آن در فرهنگ جامعه دیگر جایی ندارد. نویسنده معتقد است برای شناخت نیروهای محرک جنبش فمینیسم در هزاره‌ی جدید، باید دو موضوع اصلی این جنبش به خوبی درک نماییم:

۱- حقوق باروری، و به طور خاص سقط جنین: توضیح این که جنبش فمینیسم از سقط جنین به عنوان روشی جهت حل آسیب‌های اجتماعی نظیر پدرفشاری با کودکان، بارداری‌های ناخواسته، سرپرستی‌های آشفته و غیره استفاده می‌کند. آنان چون به خداوند و معجزاتی که می‌تواند در شرایط غیرقابل امکان وجود آورد، اعتقاد ندارند، چنین راه‌حلهایی را پیشنهاد می‌نمایند.

۲- ترویج همجنس‌گرایی زنان و مشروعیت بخشیدن به آن: نویسنده معتقد است فعالان همجنس‌گرا در متقاعد کردن افکار عمومی نسبت به این موضوع که مخالفان همجنس‌گرایی افرادی «نابردبار» یا نفرت پراکن هستند، کاملاً موافق عمل کرده‌اند. از طرف دیگر، فمینیست‌ها به حدی از همجنس‌گرایی زنان استقبال می‌کنند که اکنون این رفتار بیانگر نهضت فمینیسم شده است.

نویسنده در انتهای مطلب بیان می‌کند، راز بزرگی که فمینیست‌ها هرگز آن را درک نکرده‌اند این است که آزادی، از فرصت‌های برابر در بازار کار، از تحصیلات و یا دارا بودن بازیچه‌های مادی حاصل نمی‌شود. آزادی تنها از رابطه‌ی خالصانه با خداوند به دست خواهد آمد. امروز روز نبرد زنان مؤمن است. این نبرد دشوار، فرساینده و بسیار دردناک است؛ نبردی برای چشاندن طعم حقایق دین به آنان که احساس می‌کنند بی‌نیاز از آن هستند.

فصل سوم کتاب تحت عنوان پسران، قربانیان فمینیسم نام دارد که برگرفته از کتاب «نبرد علیه پسران» می‌باشد. این بخش دارای ۹

فصل اول کتاب مربوط به نوشته‌های خانم «وندی شلیت» می‌باشد که شامل ۱۲ بخش است. این بخش‌ها به ترتیب عبارتند از: نزاع در مورد حیا، اخلاق جنسی پست مدرن، پیامدهای ناخوشایند، انحرافات جدید، به فراموش سپردن عفاف، فریب بزرگ، آیا پاکدامنی می‌تواند طبیعی باشد؟، شخصیت مرد، چرا زن بودن باید درمان شود؟، پاکدامنی و میل جنسی، درآرزوی مداخله دیگران، فراسوی مدرنیته.

خانم وندی شلیت در مقدمه‌ی کتاب خود به گرایش درحال فزونی نسبت به پاکدامنی در میان زنان جوان جامعه امروز آمریکا اشاره می‌کند و از این که جو فرهنگی این جامعه از درک علت اصلی این بازگشت عاجز است و برای آن توجیحات غیر قابل قبولی ارائه می‌کند، اظهار تأسف می‌نماید. البته او معتقد است بسیاری از کسانی که با این نوع گرایش مخالفت می‌کنند سعی دارند با برجسب‌های مختلف آن را نوعی انحراف جلوه دهند، افرادی هستند که خود مدافع روابط جنسی بی‌قیدوبند می‌باشند. وی معتقد است که حملات غیرمنطقی به مسئله‌ی پدرسالاری و از بین رفتن نقش پدر به عنوان یک راهنما و مراقب برای دختر خود، سبب گردیده تا این دختران هرگونه رفتاری را از سوی دوست پسرهای خود تحمل کنند و آن را امری عادی به حساب آورند. جامعه بر این باور است که دختران بیش از اندازه به پدرانشان وابستگی داشته باشند، درحالی که به اعتقاد وی در یک سرزمین پر از روابط جنسی بی‌قانون، دخترانی که از حمایت مردانه برخوردار نیستند، غالباً بیشتر مورد سوء استفاده واقع می‌شوند. نویسنده در ادامه‌ی مطلب به معضلاتی که زنان در جامعه‌ی آمریکا با آن روبرو هستند، اشاره می‌کند و طلاق را یکی از کوچکترین آنها به حساب می‌آورد. خانم شلیت با اشاره به اختلاف میان محافظه‌کاران و فمینیست‌ها در رابطه با مسائل زنان، از محافظه‌کاران می‌خواهد که نگرانی‌های فمینیست‌ها در مورد آمار بالای تجاوزات جنسی، کم‌اشتهایی عصبی و بارداری غیرمنتظره را جدی بگیرند و بررسی کنند که چرا بسیاری از دختران جوان احساس عدم رضایت می‌کنند. عدم رضایت نسبت به بدن خود، روابط جنسی خود و نحوه‌ی برخورد مردان با آنها در خیابان. نویسنده در ادامه از این که در این عصر، پاکدامنی زنان و شرافت مردان دارای هیچ ارزشی نیست، اظهار تأسف می‌نماید.

فصل دوم، فمینیسم و مذهب: فمینیسم در آمریکا تلاش می‌کند تا با تأکید بر اهمیت دوری نمودن زنان از نقش‌های سنتی خویش مانند ازدواج و مادرشدن، تعریف تازه‌ای از زن ارائه نماید. نقش مادری که وظیفه‌ی طبیعی است، اکنون به صورت امری نامشروع درآمده و زنان برای انتخاب آن تحت فشار زیادی هستند. به عبارت دیگر، ازدواج و مادری از نظر فمینیست‌ها مغایر با طبیعت حقیقی زن تلقی می‌گردد.

فصل پنجم تحت عنوان تأثیر روشنگری غرب بر ازدواج و خانواده می‌باشد که برگرفته از کتاب «مشکل ازدواج» است. عناوین فصول این بخش از کتاب که دارای ۹ فصل است به شرح زیر است:

دولت در ایالات متحده آمریکا، چرا خانواده وجود دارد؟، بازار ازدواج و نسبت جنس، ظهور ازدواج مدرن، آمریکاییان آفریقایی تبار و برده داری، خانواده‌هایی که فقط مادر دارند، طلاق، مادران شاغل، چالش فرهنگی.

به طور کلی در این فصول ملت‌های مختلف موجود در جوامع آمریکایی از نظر نوع تربیت فرزندان، علل تشکیل خانواده و بررسی اهداف ازدواج از جمله تحکیم خانواده، نسبت جنس و زندگی خانوادگی، تغییرات فرهنگ ازدواج در غرب (مدرنیته شدن ازدواج)، فرهنگ فرزند محور، بررسی احوال کودکان بعد از طلاق و جدایی والدین و قوانین مربوط به آن و چگونگی تغییر فرهنگ در یک دوران و... مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ارزیابی اثر:

در مورد ارزیابی کتاب «فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳» باید گفت که این کتاب مانند کتاب‌های دیگر دارای نقاط مثبت و منفی می‌باشد که در زیر به آنها اشاره می‌گردد.

از جمله نقاط مثبت این کتاب می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- ایجاد تمرکز و نگاه دقیق در مخاطب نسبت به مسائل زنان در راستای شناساندن و شناختن اندیشه‌های وارداتی انحرافی.
 - ۲- رعایت شیوه‌ی نگارش فارسی و استفاده از رسم‌الخط مناسب.
 - ۳- دارا بودن انسجام و ارتباط مطالب فصول با همدیگر.
- نکات منفی در مورد آن عبارتند از:
- ۱- از اشکالی که می‌توانست برای تصویرسازی برخی از مطالب کمک کند، استفاده نشده است.
 - ۲- در پایان هر فصل خلاصه‌ای از مباحث بخش‌های مختلف ارائه نشده است تا از این طریق خواننده بتواند مطالب را که خوانده است، جمع‌بندی کند.

فصل است که عبارتند از: جایگاه پسران، آموزش مجدد به پسران، پسران و عروسک‌ها، کارول گیلیگان و افسانه دختر مظلوم، جزیره گیلیگان، مردان را نجات دهیم، علل عقب‌ماندگی تحصیلی در پسران، جنگ و صلح. این فصول به طور کلی به مسائل و مشکلات پسران آمریکایی در رابطه با دیدگاه فمنیسیم می‌پردازد. به عبارت دیگر پسران آمریکایی با مسائلی حقیقی مواجه هستند. مسائلی که نمی‌توان آنها را با ایجاد شکل‌های جدیدی از مردانگی حل کرد. ضرورتی ندارد که پسران را از «مردانگی خود نجات دهیم». به عبارت دیگر بسیاری از پسران آمریکایی از لحاظ اجتماعی و تحصیلی در حال ضعیف شدن هستند. شکاف تحصیلی فزاینده، آینده‌ی میلیون‌ها پسر آمریکایی را تهدید می‌کند. ما نباید چشم به «متخصصان جنسیت» بدوزیم تا راهنماییمان کنند، بلکه باید به کشورهای دیگر که روی مسائل پسران متمرکز و به نحو سازنده‌ای آنها را حل می‌کنند، توجه نماییم. نویسنده معتقد است در جنگ علیه پسران، مثل تمام جنگ‌ها، اولین چیزی که قربانی می‌شود، حقیقت است. در آمریکا، حقیقت در رابطه با پسران هم تحریف شده و هم دفن گردیده است. پسران به شدت به توجه نیاز دارند. حالا هم دیر شده است، اما نه خیلی زیاد.

فصل چهارم کتاب تحت عنوان آثار اقتصادی فمنیسیم بر زندگی

زنان، برگرفته از کتاب «معیشت محقر» است. در این بخش به بحث در مورد مباحثی در باب پیامدهای اقتصادی طلاق، اختلاف درآمدها و دستمزدها میان زنان و مردان، جنبش زنان، حقوق برابر در مقابل منافع اجتماعی، جنبش آزادی زنان و نقش مادری، لایحه‌ی حقوق برابر زن و مرد، خانواده‌گرایی افراطی، زنان معاصر و زنان سنتی (دو اردوگاه متخاصم) و غیره پرداخته می‌شود. نویسنده معتقد است زنان آمریکایی در موقعیتی گرفتار آمده‌اند که امکان موفقیت چندانی ندارند. آنان پشتیبان و نقطه‌ی اتکای خود را از دست داده‌اند- ازدواج به عنوان منبع طولانی مدت و قابل اتکا برای امنیت مالی فروپاشیده است- و در عین حال، نتوانسته‌اند با فعالیت در بازار کار موقعیت درآمد خود را بهبود بخشند، چرا که شکاف درآمد میان زنان و مردان به همان عمق و گستردگی پیشین و همیشگی خود باقی مانده است. زنان امروزی در مخمصه‌ی خوشایند خود نه راه پیش دارند و نه راه پس. سیاست‌های عمومی نیز به گونه‌ای طراحی نشدند که آنان را در ادغام دو نقش دشوار مادری و شغلی یاری کنند، زیرا ایالات متحده آمریکا در دنیای غرب از کمترین سیستم‌های حمایت از خانواده برخوردار است. در نتیجه کودکان و زنان آمریکایی در وضعیت بدی به سر می‌برند. آنان در میان دو نقش سنتی و مدرن امنیت اقتصادی گرفتار آمده‌اند و قضیه تا به حدی پیچیده است که سایر کشورها را یارای درک آن نیست.